

نتوانسته به‌عنوان هنری مجزا در کانون توجه محققین این عرصه قرار گیرد. هر چند در بسیاری از موارد هم زیرشاخه‌ای از نقاشی ایرانی یا نقاشی عربی به حساب آمده است.

در همین راستا مارتین لینگز، شرق‌شناس و کارشناس برجسته هنرهای اسلامی، معتقد است: «با آنکه خط و تذهیب در کنار معماری، خود از مهم‌ترین دستاوردهای تمدن اسلامی به حساب می‌آیند، اما به این هنرها به اندازه معماری توجه و اعتنا نشده است.»

پس به نظر می‌رسد پرداختن به هنری فاخر و تأثیرگذار همچون تذهیب در روند توسعه کتاب‌آرایی ایرانی اسلامی و شناخت پیشینه و خاستگاه و از همه مهم‌تر «سبک‌شناسی» آن در گستره ده قرن و ارائه مباحثی تحلیلی و ساختارمند در حوزه مطالعات علمی تاریخ هنر اسلامی یکی از ضروریات امروز است که متأسفانه کمتر به آن توجه شده است.

شایان ذکر است، اهمیت مطالعه در زمینه تذهیب‌های قرآنی که خاستگاه اصلی هنر تذهیب ایرانی است و تا اواخر سده ششم هجری مهم‌ترین بستر (در غیاب نقاشی و نگارگری) برای رشد و شکوفایی کتاب‌آرایی ایرانی است، تنها محدود به سبک‌شناسی این هنر نبوده و نیازمند بررسی زمینه‌های شکل‌گیری تذهیب در مصاحف با ارائه نمونه‌های مستند، در کنار ترسیم تاریخ تحول

اهمیت مطالعه در زمینه تذهیب‌های قرآنی

همان‌گونه که می‌دانیم هنر «تذهیب» همگام با خوشنویسی و به‌واسطه اهمیت نگارش و نسخه‌برداری کلام الهی، از همان سده‌های آغازین، مورد توجه هنرمندان جهان اسلام و به‌خصوص ایران قرار گرفت و با وجود آنکه نزدیک به چهار سده وظیفه تذهیب و تزیین مصحف بر عهده خود خوشنویسان بود، حدوداً با آغاز سده پنجم هجری وظیفه تذهیب دست‌نوشته‌های قرآنی، هنرمندان مستقل خود را پیدا کرد و از آن پس در کنار امضای «کاتب» با نام «مذهب» روبه‌رو می‌شویم. نیاز به پدیدآمدن شغلها و تخصص‌های مرتبط در چرخه کتاب‌آرایی ایرانی (همچون صحافی، کاغذسازی، جدول‌کشی، وراقی و...) با درجات اهمیت مختلف در کارگاه‌های هنری، علاوه بر بالا بردن کیفیت اجرایی در تهیه مصحف، نتیجه دیگری نیز داشت و آن، فراهم آمدن فرصتی تازه برای هنرمندیان ایرانی در عرصه صفحه‌آرایی و آرایه‌های هنری بود تا به‌صورت تخصصی شاخه‌ای از هنر را در ایران پایه‌گذاری کنند که بعدها در سراسر قلمرو سرزمین‌های اسلامی مورد استفاده و گاه تقلید قرار گرفت.

اما باوجود علاقه مستشرقین به حوزه مطالعات هنرهای اسلامی در یک سده گذشته، هنر تذهیب همواره در سایه هنرهایی چون معماری و خوشنویسی اسلامی مانده و هیچگاه

جایگاه تذهیب‌های قرآنی در مطالعات هنر اسلامی از دیرباز تا امروز

کیانوش معتقدی*

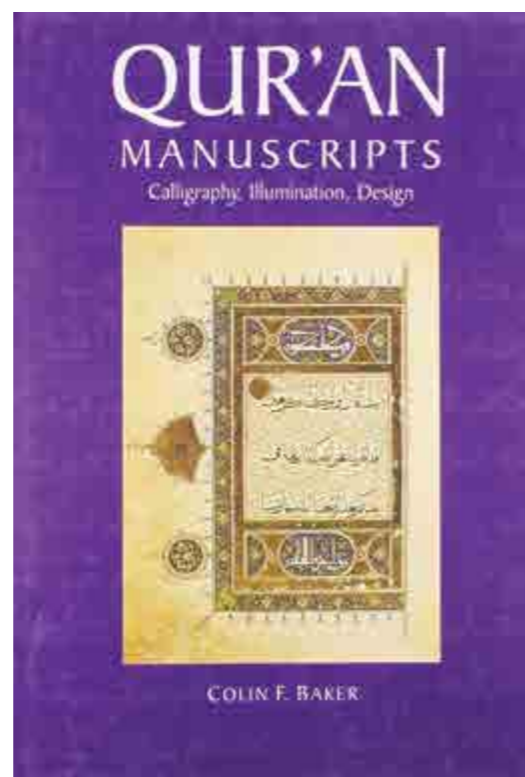
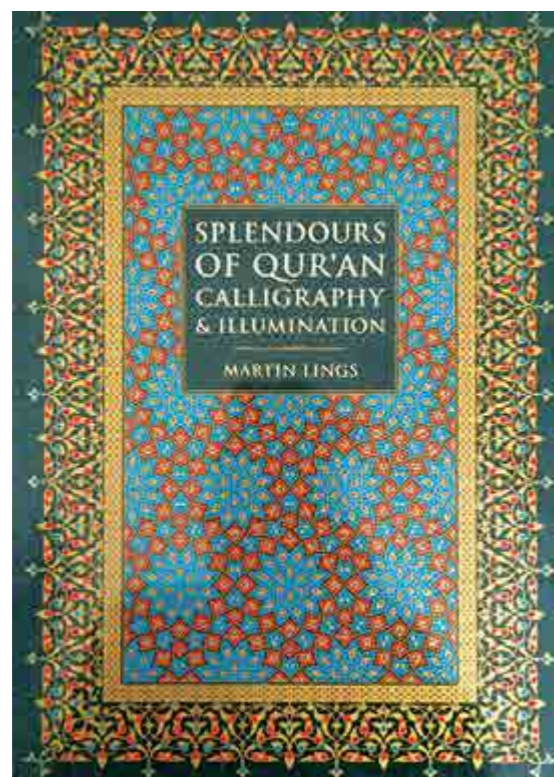
چکیده

هنر تذهیب در کنار خوشنویسی و نقاشی ایرانی، سه رکن اصلی در چرخه هنر کتاب‌آرایی ایران در دوران اسلامی به شمار می‌آید؛ باوجود آنکه ایرانیان از پیشگامان پیدایش، رواج‌دهندگان و برترین پدیدآوردگان آن بوده‌اند، جایگاه این هنر در میان دیگر هنرها و اهمیت توسعه و پیشرفت آن کمتر مورد توجه محققین غربی قرار گرفته است. در همین زمینه و با تأملی بر مجموعه کتب، رسالات و مقالات منتشرشده در جهان (در چند دهه اخیر) درباره هنر اسلامی و هنر ایرانی، درمی‌یابیم که رویکرد اکثر پژوهشگران هنر اسلامی بیش از همه متوجه خوشنویسی و نقاشی ایرانی بوده و مسائلی همچون پیشینه و خاستگاه تذهیب، مکاتب تذهیب و ویژگی هر دوره تاریخی، ساختار و ترکیب بندی، مبانی طراحی، تکنیک‌های اجرایی، هنرمندان و سبک کار آنان و نقد تحلیلی مستقل درباره این هنر کمتر به‌صورت تخصصی و علمی بررسی و تجزیه و تحلیل شده و متأسفانه در ایران نیز عموم آثار منتشرشده در زمینه تذهیب، کتب آموزشی بوده‌اند که فاقد اطلاعات تاریخی و تحلیلی دقیق درمورد این هنر ارزشمند هستند.

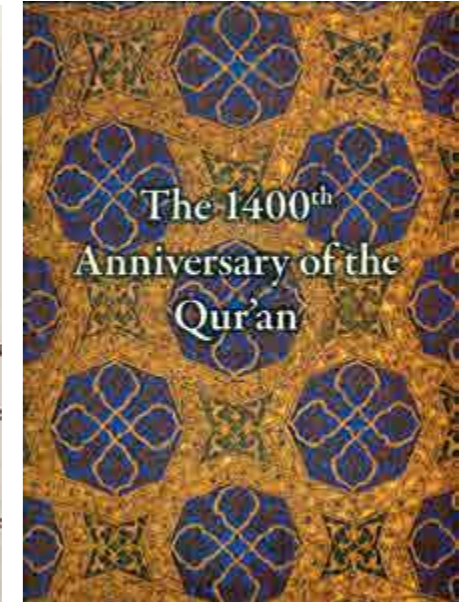
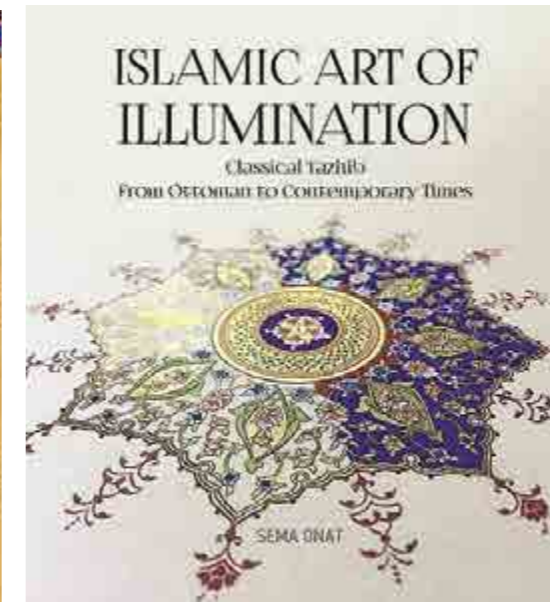
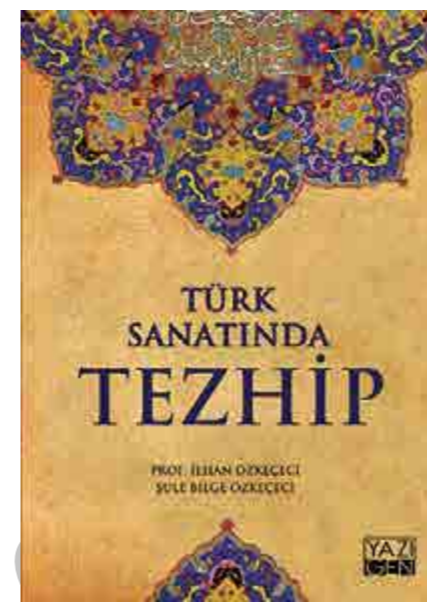
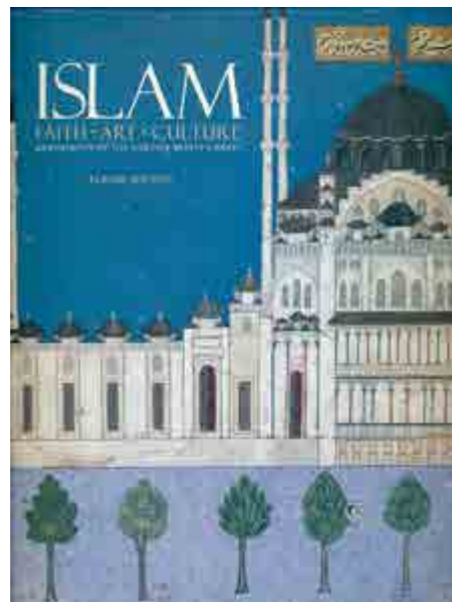
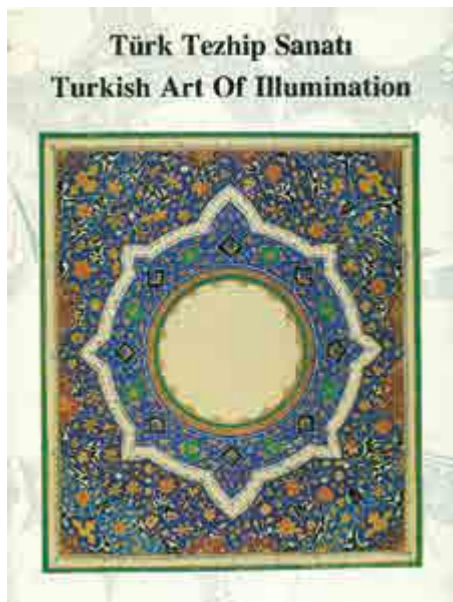
از طرفی مسئله پیدایش تذهیب همگام با توسعه خوشنویسی و به‌واسطه تزیین کلام الهی و شکوفایی آن در جغرافیای فرهنگی ایران، را می‌بایست از چشم‌اندازی توصیفی تحلیلی و فن‌شناسانه در حوزه نسخه‌شناسی و آموزش هنر در ایران مطالعه نمود. روش‌های شناخت پدیده‌های هنر تذهیب، به‌ویژه قالب‌ها و مکاتب مختلف آن را باید تا آنجا که می‌شود، موشکافانه نقد و بررسی کرد.

ایران به‌دلیل نقش محوری خود در شکل‌گیری هنر اسلامی، از همان ابتدای قرن بیستم در کانون توجه مورخان، پژوهشگران، مجموعه‌داران و موزه‌داران هنر اسلامی بوده است، به همین جهت در این گفتار برآنیم تا اهمیت پرداختن به چنین موضوعی را با توجه به آثار منتشرشده محققین غیرایرانی (از دیرباز تا امروز) بررسی کنیم.

کلیدواژه: تذهیب‌های قرآنی، نسخه‌شناسی، کتاب‌آرایی، سبک‌شناسی



* پژوهشگر هنرهای ایرانی اسلامی
kianooshart@gmail.com



تخصصی، انتشار کتاب‌هایی در قالب مجموعه مقالات هنر اسلامی نیز مرسوم شد که در میان مطالب آنها نیز می‌شد معرفی یک یا چند اثر، تجزیه و تحلیل یک سبک هنری ویژه یا زندگی‌نامه و آثار یک هنرمند تأثیرگذار را مشاهده کرد. این دوران سرنوشت‌ساز در حوزه مطالعات هنر اسلامی، روزگار کشف و نقد بود و حاصل آن ارائه نظریاتی مهم در مورد جنبه‌های گوناگون هنر اسلامی بود، از مباحث فلسفی، عرفانی، زیبایی‌شناسی و سنت‌گرایی گرفته تا سبک‌شناسی و فن‌شناسی.

با این همه امروز وقتی با دقت به برخی از این دست پژوهش‌های دهه‌های میانی قرن بیستم می‌نگریم، جای خالی بسیاری از جدی‌ترین مباحث تاریخ‌هنری را در آمیختگی نظریه‌پردازی‌ها یا داوری‌های نه‌چندان مستند (و حدس و گمان‌های غیرعلمی به دلیل آشنایی نداشتن پژوهشگران با زبان، فرهنگ یا تکنیک‌های عملی) و عدم تدوین میانی زیبایی‌شناسی در برخی رشته‌های هنری و نقد هنرها و صناعات کشورهای اسلامی، به‌وضوح به چشم می‌خورد که موضوع هنر تذهیب ایرانی یکی از بارزترین مصداق‌های آن است.

از طرفی نبود متونی در زمینه سبک‌شناسی علمی و همچنین نقد و تحلیل مؤثر در مجموعه پژوهش‌های مربوط به هنر تذهیب در آثار محققین غیرایرانی در میانه قرن بیستم (که به باور نگارنده متأسفانه چندین دهه است که در میان پژوهش‌های داخلی هم مشاهده می‌گردد)، هرچند نقطه ضعفی جدی است اما روش‌مندی و تلاش محققین غربی در طبقه‌بندی و انتشار اطلاعات مجموعه‌های موزه‌ها و کتابخانه‌هایشان مبتنی بر سنتی چند صد ساله نگارش تاریخ هنر در جهان غرب و دنیای مسیحیت،

اشیا و انتشار تصاویر و نمایش آثار در موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی می‌شد.

در این دوره خاص (و پس از جنگ جهانی دوم)، به دلیل نبود متخصصین و کمبود منابع، آثار تحلیلی و مباحث فن‌شناسانه کمتری در حوزه هنر اسلامی منتشر شد؛ با توجه به این پیشینه، پژوهش‌های فنی درباره هنر کتاب‌آرایی اسلامی (که آثار هنر ایران نیز زیرمجموعه‌ای از آن به حساب می‌آمد و کمتر هویت مستقلی برای آن متصور بود) فقط آلبوم‌های تصویری با اندک توضیحات (و شناسنامه) درباره نسخ خطی بودند که به فراخور سلیقه نویسندگان یا مالکان آثار، نمونه‌هایی از صفحات افتتاحیه، میانی (یا تزئیناتی همچون مینیاتور، تشعیر و زرافشان) یا انجامه آنها منتشر می‌شد.

این مسئله زمانی که موزه‌داران، باستان‌شناسان و کارشناسان متخصصی از دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی وارد عرصه تحقیقات هنر اسلامی شدند، وارد مرحله نوینی گردید و کتاب‌هایی با عناوینی چون «هنر اسلامی» و «هنر و معماری سرزمین‌های اسلامی» با هدف طبقه‌بندی ساختارمند هنرها بر اساس مدیوم (و مواد و مصالح ساخت)، دوره‌های تاریخی (سلسله‌های حکومتی) و مراکز تولید منتشر شد. از این مرحله به بعد موزه‌داران و به تبع، پژوهشگران بنا به دلایل موجهی که داشتند گاهی استفاده از عناوین جغرافیایی کلی مانند ایران بزرگ، ماوراءالنهر و... را ترجیح می‌دادند ولی خوشبختانه فنون و هنرهای مختلف (مثل خوشنویسی، فلزکاری، معماری یا سفالگری) دارای پژوهشگران مستقلی شدند، که به‌طور تخصصی تحولات و گستره فنی و تاریخی یک هنر یا صنعت را مورد بررسی قرار می‌دادند.

به همین جهت علاوه بر انتشار کتب و رسالات مستقل و

به‌شمار آوریم که برخلاف نگارگری، خوشنویسی یا معماری و دیگر هنرها، دچار تکرار و تحسین محض نشده و در طول دوران حیات طولانی‌اش علاوه بر توسعه و شکوفایی، جمع‌گیری از هنرمندان خلاق را نیز حاصل داده اما بدون شک جایگاه حقیقی آن تاکنون کمتر بازگو شده است. پس اهمیت پرداختن به موضوع مهمی همچون تذهیب‌های قرآنی که از همان آغاز تا پایان روزگار قاجار بیشترین بار گرافیکی و تزئینی در مصاحف را برعهده داشته و نقد و تحلیل دوره‌های مختلف تاریخی و بررسی‌های فن‌شناسانه مستقل، از سوی محققین و نسخه‌شناسان ایرانی نیازمند شناخت دقیق از مجموعه پژوهش‌های منتشر شده در جهان است.

ویژگی‌های علمی و پژوهشی آثار محققین غیرایرانی در زمینه مطالعات تذهیب‌های قرآنی؛ مرحله آغازین

بیش از یک سده است که همزمان با شکل‌گیری مجموعه‌های هنراسلامی در اقصی نقاط جهان، مسئله پژوهش و معرفی جنبه‌های مختلف آثار هنری یافت‌شده از سرزمین‌های اسلامی یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های پژوهشگران و موزه‌داران غیرایرانی بوده است. در همین راستا و در میان پژوهش‌هایی که در دهه‌های آغازین قرن بیستم منتشر شده‌اند، با توجه به اینکه مفهوم تازه‌ای با عنوان «هنراسلامی» در حال شکل‌گیری و توسعه بود، نتایج بسیاری از مقالات، کاتالوگ‌ها یا کتب در زمینه مطالعات هنراسلامی، اطلاعات کلی تاریخ‌هنری (از هنر خاورمیانه و ممالک عربی) است که بدون درنظر گرفتن محل دقیق تولید آثار یا آگاهی از سبک و شیوه خاص هنری متعلق به یک دوره تاریخی یا جغرافیای خاص فرهنگی، محدود به معرفی

و سیر تغییرات آن، پیدایش میانی طراحی و استفاده از نقوش استلیزه (با ریشه‌های ساسانی و مانوی)، ترکیب‌بندی‌های رنگی و استفاده از ورقه طلاست که از سده‌های میانی جای خود را به تنوع الوان و پیچیدگی و ظرافت نقوش داده بود.

آن چنان که این روش‌مندی در کار پژوهشی‌علمی، علاوه بر داشتن اشاراتی به زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی هر دوران، اهمیت حامیان هنری و هنرمندان خلاق و طراز اول (و جریان‌ساز) و اختصاصات سبکی آنها را بیش از پیش به مخاطب امروز می‌شناساند، زیرا در حوزه مطالعات هنر اسلامی و به‌خصوص کتاب‌آرایی اسلامی جای خالی نگرش‌های تازه خالی است و اغلب گمان می‌شود که جای بحث و سخن تازه‌ای وجود ندارد، حال آنکه یافتن متنی تخصصی و علمی درباره تجزیه و تحلیل یک سبک خاص از تذهیب‌های قرآنی متعلق به یک دوره تاریخی یا خاندان مذهب یا بازخوانی محصولات یک کارگاه هنری خاص بسیار دشوار می‌نماید.

این مسئله نیازمند دانش و اشراف علمی و عملی پژوهشگران بوده و البته آشنایی با شیوه‌های طراحی و اجرایی نیز در این مسیر بسیار راه‌گشاست، به همین سبب بیشتر پژوهش‌های منتشرشده در این زمینه (در خارج از ایران) منحصر به پژوهش‌هایی از نوع توصیفی یا تطبیقی هستند و اطلاعات نویسندگان از محدوده توصیف ویژگی‌های ظاهری یک اثر مذهب (قالب، رنگ و نقوش)، مقایسه چند اثر با یکدیگر و در نهایت معرفی هنرمندی مذهب (در صورت وجود امضا) فراتر نمی‌رود و اساس بحث‌های نسخه‌شناسانه منحصر به متن‌پژوهی و هنرهای چون خوشنویسی و مینیاتور می‌شود. پس شاید بتوانیم تذهیب ایرانی را از معدود حوزه‌های آسیب‌نندیده هنر و فرهنگ ایران در طول دوران اسلامی

در کنار ایده راه‌اندازی یک بانک‌اطلاعاتی جامع (که همچنان بصورت تخصصی در ایران وجود ندارد) و رویکرد آکادمیک (راه‌اندازی رشته‌های دانشگاهی در زمینه مطالعات هنر اسلامی) و صرف هزینه و برنامه‌ریزی دقیق و اصولی، باعث گردیده تا بسیاری از پژوهش‌های این دوران (پایان‌نامه‌های دکتری و کتب تألیفی) به‌عنوان اساسی‌ترین منابع مطالعات هنرهای اسلامی تا به امروز شناخته شوند، تا آنجا که با وجود بسیاری از نارسایی‌ها و اشتباهات تاریخی یا تکنیکی و فارغ از هرگونه تعصب یا جانب‌داری، همچنان مورد استفاده پژوهشگران این عرصه قرار می‌گیرند. نکته جالب توجه در این میان، توجه به انتشار کتاب‌هایی تصویرمحور با معرفی آثاری کمیاب و کمتر دیده شده و نگارش روایت تاریخ هنر بر اساس نمونه‌های شاخص از هر دوران (در یک یا چند موزه) بود که به خصوص راه را برای مطالعات تطبیقی هموار می‌کرد. هرچند همچنان تفکر تاریخ‌نویسی بر ارائه نقد و تحلیل غالب بود.

از میان شاخص‌ترین پژوهش‌های منتشرشده در زمینه هنر تذهیب‌های قرآنی (که مستقیم یا غیرمستقیم به این موضوع پرداخته‌اند) می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

آرتور پوپ و دیگران، ۱۹۳۸م، «سیری در هنر ایران»؛

رابینسون، ۱۹۶۵م، «نقاشی ایرانی»

اورنس نبیون، ۱۹۷۲م، «هنر مینیاتور ایرانی»

مارتین لینکز و یاسین حمید سفادی، ۱۹۷۶م، «هنر خط و تذهیب قرآنی»

ارنست کونل، ۱۹۷۷م، «اسلمی»

بازیل گری، ۱۹۷۷م، «نقاشی ایرانی»

ریچارد اتینگهاوزن، ۱۹۷۸م، «نقاشی ایرانی»

رابرت هیلن‌براند، ۱۹۸۲م، «تصاویر سلطنتی در نقاشی ایرانی»

دیوید جیمز، ۱۹۸۸م، «قرآن‌های عصر مملوک»

توماس لنتز و گلن لوری، ۱۹۸۹م، «تیمور و دیدگاه شاهانه؛ هنر و معماری عصر تیموری»

دیوید جیمز، فرانسوا دروش و دیگران، ۱۹۹۲م، «کتاب‌های هنر اسلامی در مجموعه ناصر خلیلی لندن»

ابوالعلاء سودآور، ۱۹۹۲م، «هنر دربارهای ایران»

استفانو کاربونی، ۱۹۹۳م، «نقاشی تغزلی و حماسی ایران»

عبداللله بهاری، ۱۹۹۶م، «بهزاد»

فرانسیس ریشارد، ۱۹۹۷م، «جلوه‌های هنر پارسی»

نبیل صفوت، ۲۰۰۰م، «صفحات زرین؛ نسخ قرآنی در مجموعه قصان شاکر»

شیل کنبی، ۲۰۰۲م، «عصر طلایی هنر ایران»

لیندا کاماروف و دیگران، ۲۰۰۲م، «میراث چنگیزخان؛ مجموعه هنر دوره ایلخانی»

مارکوس فریزر، ۲۰۰۵م، «نقوش هندسی بر روی طلا: بررسی

جزئی قرآنی از دوره مملوک»

مارتین لینکز، ۲۰۰۵م، «هنر خط و تذهیب قرآنی»

لاله اولوچ، ۲۰۰۶م، «حاکمان ترکمان، هنرمندان شیرازی و مجموعه‌داران عثمانی»

کالین ف. بیکر، ۲۰۰۷م، «نسخه‌های قرآنی: خوشنویسی، تذهیب و طراحی»

خادر سلامه، ۲۰۰۸م، «مصحف شریف در کتابخانه مقدس اورشلیم»

دوید ج. راکسزبرگ، ۲۰۰۸م، «نگارش کلام الهی»

الین رایت، ۲۰۰۹م، «اسلام؛ ایمان، هنر و فرهنگ»

مژده انوستاشی، ۲۰۱۰م، «بزرگداشت ۱۴۰۰ سالگی قرآن؛ مجموعه نسخ خطی نفیس قرآنی در کتابخانه‌های ترکیه»

چارلز ملویل و باربارا برند، ۲۰۱۱م، «حماسه شاهان ایرانی»

آدل آداموف، ۲۰۱۲م، «نسخ خطی، نقاشی و طراحی‌های ایرانی در موزه هرمیتاژ»

رابرت هیلن‌براند، ۲۰۱۲م، «مطالعات هنر کتاب‌آرایی اسلامی»

الین رایت، ۲۰۱۳م، «نگاهی به کتاب‌آرایی مکتب شیراز سده نهم هجری»

دوید ج. راکسزبرگ، ۲۰۱۳م، «آلبوم هنر ایرانی موجود در کتابخانه توپقاپی‌سرای استامبول»

منیژه بیانی و آدل آداموف، ۲۰۱۶م، «نقاشی ایرانی در مجموعه الصباح کویت»

معصومه فرهاد و دیگران، ۲۰۱۶م، «هنر کتاب‌آرایی قرآنی؛ مجموعه موزه هنرهای ترک و اسلامی ترکیه»

نگاهی به تحقیقات تذهیب‌های قرآنی در ترکیه

علاوه بر مجموعه پژوهش‌های ذکرشده، در سه دهه اخیر آثار ارزشمندی نیز از سوی هنرمندان، پژوهشگران و چهره‌های دانشگاهی کشور ترکیه در زمینه تذهیب‌های قرآنی منتشر گردیده که به‌واسطه وجود نمونه‌های نفیسی از مصاحف ایرانی در گنجینه موزه‌ها و کتابخانه‌های آن کشور، بسیار جالب‌توجه هستند. هر چند بخشی از این آثار بیشتر با رویکردی آموزشی و گاهی تنها برای معرفی هنر تذهیب سامان یافته‌اند، اما در مواردی چند، این آثار رویکردی تحلیلی و تاریخی به این موضوع داشته‌اند که در مقایسه با نمونه‌های فارسی و پژوهش‌های داخلی از اهمیت علمی بالاتری برخوردارند. به همین جهت از نظر روش‌شناسی و نسخه‌شناسی الگویی مناسب برای محققین ایرانی به‌شمار می‌آیند.

از میان شاخص‌ترین پژوهش‌های منتشرشده در زمینه هنر تذهیب‌های قرآنی در کشور ترکیه (به زبان ترکی و انگلیسی) نیز می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

ایلهان اوزکچیه، ۱۹۹۳م، «هنر تذهیب ترکی و آرایه‌های تذهیبی»

سینان گوزن، ۲۰۰۳م، «هنر تذهیب ترکی»

مینه اوزین، ۲۰۰۳م، «هنر تذهیب اسلامی»

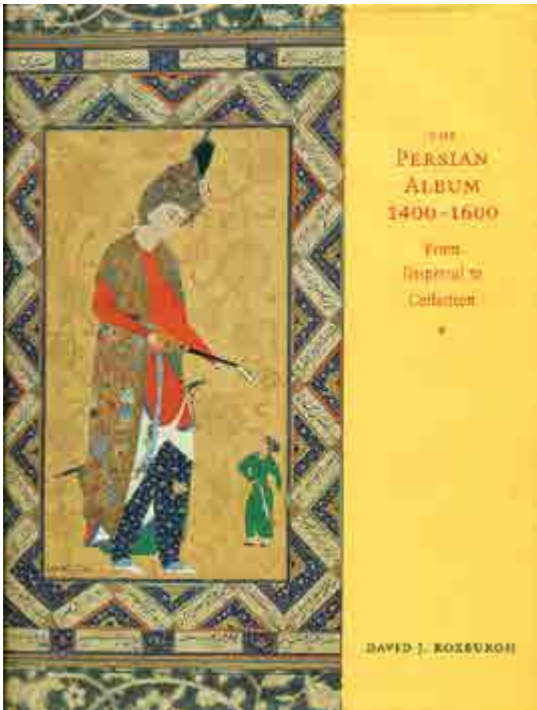
عمر فاروق اتابک، ۲۰۱۱م، «هنرهای دکوراتیو ترک و اسلامی؛ خوشنویسی و تذهیب»

ایلهان اوزکچیه، ۲۰۱۴م، «هنر تذهیب ترکیه»

سما اونات، ۲۰۱۵م، «هنر تذهیب اسلامی»

هرچند در هر دو بخش (پژوهشگران غربی و ترک) نمونه‌های بیشتری موجود هستند و آثار معرفی‌شده در این گفتار تنها به معرفی مهم‌ترین آثار کارآمد در عرصه پژوهش تذهیب‌های قرآنی پرداخته و شاید بتوان در بسیاری از کاتالوگ‌ها (موزه‌ها و کتابخانه‌های سراسر دنیا) و کتب هنر اسلامی دیگر نیز تصاویر و اطلاعاتی در این راستا به‌دست آورد که در جایگاه خود قابل بررسی هستند.

ماحصل آنکه با تأملی بر تاریخچه هنر کتاب‌آرایی ایرانی درمی‌یابیم که قلمرو پژوهش‌ها در زمینه تذهیب‌های قرآنی، همواره بر پژوهش‌های غربیان استوار بوده است. البته سهم محققین ایرانی و ترک را نیز در چند دهه اخیر در بازنمایی و گره‌گشایی از اصول و قواعد مبتنی بر شیوه‌های بومی کشورهای خاورمیانه نباید از نظر دور داشت. مقاله حاضر در حکم مقدمه‌ای در معرفی پژوهش‌های شاخص محققین غیرایرانی در این زمینه بوده و هدف آن آشنایی محققین و دانشجویان کشور با روش‌مندی و چارچوب نظری در این نوع آثار است که در صورت مطالعه هریک از منابع معرفی‌شده، نتیجه‌ای مفید برای شناخت و تحلیل بیشتر در آثار پژوهشی حاصل خواهد آورد.



منابع

- آیهام پوپ، آرتور(۱۳۳۸) شاهکارهای هنر ایران، اقتباس و نگارش: پرویز نائل خانلری، تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علی‌شاه.
- خلیلی ناصر، دیوید جیمز (۱۳۸۱) مجموعه هنر اسلامی؛ سبک عباسی، ترجمه پیام بهتاش، تهران: کارنگ.
- ریشار، فرانسیس(۱۳۸۳) جلوه‌های هنر پارسی، ترجمه ع.روحبخشان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سودآور، ابوالعلاء(۱۳۸۰) هنر دربارهای ایران، ترجمه ناهید محمد شمیرانی، تهران: کارنگ.
- لینکز، مارتین(۱۳۷۷) هنر خط و تذهیب قرآنی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: گروس.

- Martin Lings /Splendours of Quran Calligraphy and Illumination / Pub :The saurus islamicus foundation (۲۰۰۵)

- David J. Roxburgh/ The Persian Album ۱۶۰۰ – ۱۴۰۰ From Dispersal to collection/ Pub :Yale University Press , New Haven and London (۲۰۱۳)

- David James / Quran's of The Mamluks/ Pub :Thames and Hudson /(۱۹۸۸)

- Elaine Wright / Islam ; Faith –Art-Culture / Pub :Scala (۲۰۰۹)

- Sinan Gozen/ Turkish Art of Illumination / Istanbul (۲۰۰۳)

- Colin F.Baker /Quran Manuscripts – Calligraphy,Illumination,Design / Pub :The British Library (۲۰۰۷)

- Laleh Ulac /Turkman Governors,Shirazi Artisanas & Ottoman Collectors/ Pub : Kultur Yayinlari